



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

دستور خط فارسی

مؤلف
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی



جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دستور خط فارسی

مصوب

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دستور خط فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)

چاپ نهم: ۱۳۸۹

لینوگرافی و چاپ: نماد

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

وب‌گاه: www.persianacademy.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

دستور خط فارسی / مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. - تهران: فرهنگستان

زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، ۱۳۸۱، چاپ دوم ۱۳۸۳، چاپ سوم و چهارم ۱۳۸۴،

چاپ پنجم ۱۳۸۵، چاپ ششم ۱۳۸۵، چاپ هفتم ۱۳۸۶، چاپ هشتم ۱۳۸۸، ۵۸ ص.

- (فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۶)

شابک: ۹۶۴-۷۵۳۱-۱۳-۳ ISBN: 964-7531-13-3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. خط فارسی. ۲. خط فارسی -- تغییر. ۳. فارسی -- املاء.

۴ ۱۷

PIR ۲۷۲۱ / ف ۴ د ۵

۸۴ - ۱۱۳۵۴

کتابخانه ملی ایران

فهرست

- ۱ مقدمه
- ۹ قواعد کلی
- ۹ ۱. حفظ چهره خط فارسی
- ۹ ۲. حفظ استقلال خط
- ۹ ۳. تطابق مکتوب و ملفوظ
- ۱۰ ۴. فراگیر بودن قاعده
- ۱۰ ۵. سهولت نوشتن و خواندن
- ۱۰ ۶. سهولت آموزش قواعد
- ۱۰ ۷. فاصله گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست خوانی
- ۱۱ ویژگیهای خط فارسی
- ۱۶ جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های اصلی)
- ۲۰ جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های ثانوی)
- ۲۱ املاي بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها
- ای (حرف ندا) ۲۱؛ این، آن ۲۱؛ همین، همان ۲۱؛ هیچ ۲۱؛ چه ۲۱؛
- را ۲۱؛ که ۲۲؛ این ۲۲؛ به ۲۲؛ بای زینت، نون نفی، میم نهی ۲۲؛
- بی ۲۲ و ۲۳؛ می و همی ۲۳؛ هم ۲۳؛ تر و ترین ۲۳؛ ها (نشانه جمع) ۲۳ و ۲۴.
- ۲۵ مجموعه ام، ای، است، ...



مقدمه

خط چهرهٔ مکتوب زبان است و همان‌گونه که زبان از مجموعهٔ اصول و قواعدی به نام «دستور زبان» پیروی می‌کند، خط نیز باید پیرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را «دستور خط» نامیده‌ایم. خط فارسی، به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خط رسمی کشور ماست و کلیهٔ اسناد رسمی و مکاتبات و کتابهای درسی باید به این خط نوشته شود و طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابطی معلوم و مدوّن داشته باشد تا همگان، با رعایت آنها، هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ دارند. تدوین مجموعهٔ قواعد و ضوابط خط فارسی، مخصوصاً در سالهای اخیر که استفاده از رایانه در عرصهٔ خط و زبان روزافزون شده و حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی و ویرایش و نمونه‌خوانی و تهیهٔ نمایه و کارهای بسیار دیگری در حوزهٔ نگارش و چاپ بر عهدهٔ رایانه قرار گرفته و در نتیجه دایرهٔ شاغلان به امر چاپ و تکثیر از حلقهٔ متخصصان سنتی این فن بسی فراتر رفته و گسترده‌تر شده، ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا کرده است، چنان‌که نگرانی از خطر بروز تشّت و اعمال سلیقه‌های مختلف و متضاد نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است.

در باب دستور خط فارسی، همواره اختلاف سلیقه و مشرب وجود داشته است؛ بعضی طرفدار بازگذاشتن دست نویسنده در انتخاب شیوهٔ نگارش بوده و حداکثر جواز و رخصت را تجویز می‌کرده‌اند و بعضی دیگر، برعکس، گرایش به وضع قوانینی عام و قطعی و تخلف‌ناپذیر

۲۶	ضمایر ملکی و مفعولی
۲۷	یای نکره و مصدری و نسبی
۲۸	کسرهٔ اضافه
۲۹	نشانهٔ همزه
۲۹	همزهٔ میانی
۳۰	همزهٔ پایانی
۳۲	جدول ۳. راهنمای کتابت همزه
۳۵	واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی ة- ۳۵؛ و- ۳۶؛ الف کوتاه ۳۶
۳۷	تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری، هجای میانی (و-و-)
۳۹	ترکیبات
۳۹	الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود
۴۱	ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود
۴۴	واژه‌هایی با چند صورت املائی
۴۴	فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار
۵۱	فهرست اعلام دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

داشته و آرزو می‌کرده‌اند که در عالم خط و کتابت نیز قوانینی شبیه قوانین حاکم بر علائم ریاضیات حاکم باشد. از جهتی دیگر، برخی از اهل فن معایب و مشکلات موجود را در خط فارسی تا آن اندازه فراوان و جدی دانسته‌اند که رفع آنها را جز با افزودن و درکار آوردن حروف و علائم جدید میسر نمی‌شمرده‌اند و گروهی دیگر کمترین تحوّل و تبدیلی در خط فعلی نپذیرفته و آن را به زبان می‌دانسته‌اند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، به حکم وظیفه‌ای که بر حسب اساسنامه خود در پاسداری از زبان و خط فارسی برعهده دارد، از همان نخستین سالهای تأسیس، درصدد گردآوری مجموع قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری و تنظیم و تدوین و تصویب آنها برآمد و در این کار راه میانه را برگزید و کوشید تا در تدوین «دستور خط فارسی» اعتدال را رعایت کند. نخستین بار، در سال ۱۳۷۲، به ابتکار جناب آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست وقت فرهنگستان، کمیسیونی به مدیریت دکتر علی‌اشرف صادقی و سپس استاد احمد سمیعی، از اعضای پیوسته فرهنگستان، تشکیل شد.^۱ این کمیسیون، با تشکیل جلسات متعدّد، دستور خط پیشنهادی خود را به شورای فرهنگستان تسلیم کرد و شورا با دقت و کندوکاو و جدیّت بسیار، طی ۵۹ جلسه، آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.^۲ نظر شورا همواره بر آن

۱. اعضای این کمیسیون عبارت بودند از آقایان دکتر محمد رضا باطنی (۱۶ جلسه، از ۷۲/۲/۷ تا ۷۲/۶/۳۰)، دکتر جواد حدیدی، دکتر علی‌محمد حق‌شناس، دکتر حسین داودی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، مرحوم دکتر جعفر شعار، دکتر علی‌اشرف صادقی (که تا جلسه مورخ ۲۸ دی ۱۳۷۲ شرکت داشتند و پس از آن به‌علت مسافرت برای استفاده از فرصت مطالعاتی در جلسه شرکت نکردند)، مرحوم دکتر مصطفی مقرّبی و استاد ابوالحسن نجفی.

۲. دستور خط فارسی در شورای فرهنگستان در دو شور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. شور اول جمعاً در ۴۱ جلسه (از ۷۴/۷/۳ تا ۷۶/۹/۳) و شور دوم در ۱۸ جلسه (از ۷۷/۲/۲۸ تا ۷۷/۹/۱۶) صورت گرفت. اعضای شورا در این جلسات عبارت بودند از: مرحوم استاد احمد آرام (فقط ۸ جلسه)، استاد عبدالحمّد آبتی، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر احمد تقفّلی (۲۵ جلسه)، دکتر حسن حبیبی، دکتر غلامعلی حدّاد عادل، دکتر جواد حدیدی (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، دکتر محمد خوانساری، دکتر علی رواقی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، استاد احمد سمیعی، دکتر

بود که در تدوین و تصویب مجموعه قواعد و ضوابط خط فارسی، از افزودن حرف و علامت جدید به مجموعه حروف و علائم موجود خط فارسی پرهیز کند و، همان‌گونه که در ضمن نخستین اصل از قواعد کلی دستور خط مذکور در این دفتر آمده است، سعی کرد تا چهره خط فارسی حفظ شود. این اعتدال و احتیاط از آن جهت ضروری دانسته شد که، به اعتقاد اعضای فرهنگستان، خط اصولاً طبیعت و ماهیتی دارد بسی پیچیده‌تر از علائم علمی مانند ریاضیات، و توقع قانونمندی مطلق و قاطع از خط داشتن و راه را بر هرگونه استنباط و سلیقه بستن با این طبیعت ناسازگار است. علاوه بر این، فرهنگستان در بررسی و تصویب قواعد و ضوابط خط فارسی، معتقد بوده است که تثبیت قواعد متعارف و کمابیش مرسوم خط فارسی، در اوضاع و احوال فعلی، ضروری‌تر و سودمندتر است از وارد کردن حرف و علامتی جدید که ممکن است، با برانگیختن عقاید موافق و مخالف و صف‌آرایی و جبهه‌گیری، به اصل مقصود، که همانا تثبیت آن قواعد است، لطمه جدی وارد کند.

فرهنگستان در پی آن بود که تا سرحد امکان خط فارسی را قانونمند و قاعده‌پذیر سازد تا از آشفتگی و هرج و مرج جلوگیری شود؛ اما از توجه به طبیعت خط به‌طور کلی و به‌ویژه طبیعت خط فارسی و نیز ذوق و سلیقه و پسند اهل فن غفلت نکرد و هر جا اعمال قانون را موجب پدید آمدن فهرست بالابندی از استثناها دید، از تصویب و تجویز آن خودداری کرد و، با رعایت انعطاف، میدان را برای ذوق و سلیقه باز گذاشت.

پس از آنکه با بررسی‌های طولانی، اصلاحات لازم در پیشنهاد کمیسیون اولیه اعمال شد، مجموعه قواعد و ضوابط، پیش از تصویب نهایی، به‌صورت پیشنهاد در دفتری به نام ۶۹ «دستور خط فارسی»^۳ منتشر گردید و به حضور استادان و صاحب‌نظران و معلمان و نویسندگان

علی‌اشرف صادقی، دکتر حمید فرزام، سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، دکتر فتح‌الله مجتبیایی (۷ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، دکتر مهدی محقّق، دکتر حسین معصومی همدانی (فقط ۱ جلسه)، مرحوم دکتر مصطفی مقرّبی (۵۰ جلسه)، استاد ابوالحسن نجفی. همچنین آقایان دکتر جواد حدیدی (تا جلسه ۱۴۴ مورخ ۷۷/۴/۸) و دکتر حسین داودی و مرحوم دکتر جعفر شعار نیز به‌عنوان صاحب‌نظر در این جلسات حضور داشتند.

۳. آقای دکتر سلیم نیساری قبلاً کتابی با همین عنوان به طبع رسانده‌اند: دستور خط فارسی، تهران، ۱۳۷۴. در آخرین بازنگری این دفتر (۱۳۸۴) از نظریات آقای دکتر سلیم نیساری نیز بهره گرفته شد. (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه دستور)

و عموم کسانی تقدیم شد که با شیوه نگارش و املائی خط فارسی سروکار دارند تا با ملاحظه آن، رأی و نظر خود را اعلام کنند و اگر در آن نقص یا خطایی می‌بینند متذکر شوند.

بسیاری از مؤسسات علمی و صاحب‌نظرانی که آن متن پیشنهادی را دریافت کرده بودند از سرلطف در آن تأمل کردند و با ارسال آراء خود فرهنگستان را در تهذیب و تکمیل این قواعد و ضوابط یاری نمودند. در پایان مهلت مقرر، آراء رسیده، که بعضی متضمن اظهارنظرهای کلی و بعضی مشتمل بر جرح و تعدیل و نقد قواعد و ضوابط بود، برحسب نظم موجود در متن پیشنهادی، تفکیک شد و یکجا در مجموعه‌ای نسبتاً مفصل در اختیار اعضای شورای فرهنگستان قرار گرفت. شورا بار دیگر بررسی دستور خط فارسی را در دستور کار خود قرار داد و با ملاحظه همه اظهارنظرهای صاحب‌نظران و نیز اعضای پیوسته فرهنگستان، طی ده جلسه به بازنگری در متن پیشنهادی اولیه پرداخت و سرانجام «دستور خط فارسی» را در جلسه دویست و یازدهم خود در تاریخ ۸۰/۴/۳۰ تصویب کرد و آن را برای تأیید و تنفیذ به حضور ریاست محترم جمهور و ریاست عالی فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران تقدیم کرد.

در این مقدمه، توجه خوانندگان را، پیش از آنکه به قواعد خط فارسی مذکور در این دفتر نظر کنند، به چند نکته جلب می‌کنیم:

۱. این مجموعه، در وهله اول، نه برای متخصصان زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسان بلکه برای مخاطبانی نوشته شده است که با زبان فارسی در حد عموم باسوادان و تحصیل‌کردگان جامعه ما آشنایی دارند. به همین جهت، در نگارش آن سعی شده است تا از استعمال اصطلاحات و تعاریفی خودداری شود که فهم آنها تنها برای متخصصان میسر باشد و حتی الامکان از زبانی استفاده شود که برای عامه باسوادان به آسانی قابل درک باشد. همین امر ممکن است ناگزیر سبب شده باشد که گاهی از دقت مطلب کاسته شود و چون سهولت استفاده از قواعد و پرهیز از سنگینی و گرانباری مطالب اهمیت داشته است، از وضع قاعده برای بعضی از موارد استثنا خودداری شود، هرچند ممکن است متخصصان بتوانند در ضمن مباحث علمی خود با موشکافی برای آن استثناها نیز

قاعده یا قواعدی وضع کنند.

۲. در دهه‌های اخیر، بیشترین اختلاف نظر در باب شیوه املائی کلمات فارسی بر سر موضوع جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی کلمات مرکب بوده است. فرهنگستان، چنان که گفته شد، در این باب راه میانه را برگزیده و کوشیده است تا فقط مواردی را که جدانویشتن و یا پیوسته‌نویشتن آنها الزامی است، تحت قاعده و ضابطه درآورد و شیوه نگارش باقی کلمات مرکب را به ذوق و سلیقه نویسندگان واگذار کند.

۳. همه مسائل و مشکلات خط فارسی در این دفتر مطرح نشده و آیین‌مندی‌کردن اموری از قبیل نشانه‌گذاری یا سجاوندی و شیوه ضبط کلمات خارجی با خط فارسی و یا آوانویسی کلمات فارسی به خط خارجی در این مجموعه قواعد مورد نظر نبوده است.

۴. شعر فارسی همه‌جا از قواعد و ضوابط عمومی دستور خط فارسی پیروی نمی‌کند و، گهگاه به ضرورت، از قواعد دیگری پیروی می‌کند. این دستور خط نه برای شعر فارسی، بلکه برای نثر فارسی تدوین و تنظیم شده است؛ بنابراین، در آینده می‌توان آن را با ضمیمه‌ای متناسب با شعر فارسی تکمیل کرد.

۵. سلیقه‌های خاص خطاطان، که از دیرباز در عرصه هنر خوشنویسی در نگارش خط فارسی مرسوم و معمول بوده، از دایره بحث و بررسی بیرون نهاده شده است.

۶. در بیان قواعد، چنان‌که در تدوین متون قانونی مرسوم و متداول است، از ذکر علت خودداری شده، اما در بیان موارد استثنا، سعی شده است تا علت استثنا بیان شود.

۷. برای روشن‌تر شدن مفاد قواعد، در ذیل هر قاعده شواهدی ذکر شده است. در مواردی که برای قاعده استثنایی مقرر گشته، فهرست بسته تمام موارد استثنا به دست داده شده و یا خود استثنا به صورت قاعده درآمده است.

۸. هر جا قاعده‌ای ذکر شده است، آن قاعده معمولاً با افزوده شدن اجزائی مانند «یای نسبت» و یا «های بیان حرکت» (های غیر ملفوظ) به آخر کلمه و، در نتیجه طولانی‌تر شدن املائی کلمه، تغییر نمی‌کند. مثلاً اگر در نوشتن «همکار» به سبب تک‌هجایی بودن جزء دوم کلمه، حکم به

اتصال دوجزء «هم» و «کار» داده شده است، این حکم با افزوده شدن «ی» در کلمه «همکاری» نیز اعمال می شود.

۹. سعی شده است که «دستور خط فارسی» با جدولهای متعدد و مفصلی همراه گردد تا دستیابی استفاده کنندگان به همه موارد آسانتر و سریعتر شود.

فرهنگستان از همه کسانی که با ملاحظه متن پیشنهادی اولیه درباره آن اظهار نظر کرده اند تشکر می کند و به ویژه از مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، که نکته هایی در باب دستور خط فارسی متذکر شده اند سپاسگزار است.

همچنین از گروهی از استادان دانشگاههای اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی تهران، رشت، خمینی شهر و دهاقان که نظر خود را بدون ذکر نام ارسال کرده اند و نیز از آقایان و خانمها دکتر محمد مهدی رکنی و دکتر مهدی مشکوة الدینی (از دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر غلامحسین غلامحسین زاده (از دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر کتابون مزداپور و دکتر ایران کلباسی (از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علی اکبر ترابی (از دانشگاه صنعتی سهند تبریز)، دکتر بهروز ثروتیان و دکتر مصطفی ذاکری، دکتر رحمان مشتاق مهر (از دانشگاه تربیت معلم تبریز)، دکتر مرتضی کاخی (از انتشارات امیرکبیر)، مهندس احمد منصوری (از انتشارات فرهنگان)، سرتیپ غلامرضا زندیان (از دفتر واژه گزینی نیروهای مسلح)، محمدرضا زرسنج (از آموزش و پرورش استان فارس)، علی شریفی (از دفتر مجلات و نشر شاهد)، علی مصریان و محمدرضا طاهرزاده و جاوید جهانشاهی و ناصر داور و عباس معارفی و بتول کرباسی و از استادان دکتر جلال متینی (مقیم ایالات متحده آمریکا)، دکتر کاظم ابهری (مقیم استرالیا) و سید مصطفی هاشمیان (مقیم بلژیک) که با ارسال نقد و نظر خود در تدوین این مجموعه سهیم بوده اند تشکر می کند.

فرهنگستان در تدوین این مجموعه وام دار همه کسانی است که در دهه های گذشته و سالهای اخیر در این باب تلاش کرده اند و مخصوصاً از استادان احمد سمیعی (گیلانی) و ابوالحسن نجفی، از اعضای پیوسته فرهنگستان، که در تألیف این دفتر سهمی عمده برعهده داشته اند تشکر

می کند. از آقای دکتر حسین داودی و خانم زهرا زندی مقدم نیز که در تکمیل و تنظیم این مجموعه تلاش کرده اند سپاسگزار است و یاد استادان درگذشته مرحوم دکتر مصطفی مقربی و مرحوم دکتر جعفر شعار را گرامی می دارد.^{۱۱}

امید است انتشار «دستور خط فارسی» انتظار همه کسانی را برآورد که خواهان آیینمندی و انضباط بیشتر خط فارسی اند و گامی در راه استواری پایه های زبان و خط فارسی محسوب شود.

غلامعلی حداد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۱ از آقایان دکتر حسین واثق (از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، حسین موقق (از دانشگاه صنعتی اصفهان)، موسی صدیقی (از وزارت ارشاد)، مهدی میرجاہری، صالح آزاده دل و م. ی. قطبی که با اظهار نظر کلی در باب خط فارسی فرهنگستان را یاری کرده اند سپاسگزاری می شود.

باسمه تعالی

با استقبالی که از کتاب دستورخط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد، این کتاب در مدتی به نسبت کوتاه به چاپ چهارم رسید. مزیت این چاپ بر چاپهای قبلی آن است که برخی از اظهارنظرهای رسیده در فاصله چاپ دوم تا چاپ حاضر دیگر بار مورد بحث و بررسی گروه دستور فرهنگستان قرار گرفت و نتیجه بررسی در ماههای نخستین سال ۱۳۸۴ در شورای فرهنگستان مطرح گردید و براساس آخرین نظریات اعضای شورا در متن قبلی تجدیدنظر شد و برخی اصلاحات جزئی که موجب روشن تر شدن قواعد می شد در متن حاضر جانشین توضیحات پیشین گردید.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی لازم می داند که بار دیگر از همه صاحب نظرانی که وی را در به انجام رساندن این امر مهم یاری کرده اند سپاسگزاری کند. امید است که این دستور خط با پیگیری دستگاههای دولتی دارای انتشارات، و به ویژه با عنایت و نظارت کامل وزارت آموزش و پرورش، که بیشترین متون درسی را همه ساله در اختیار دانش آموزان تا پایان دوره دبیرستان قرار می دهد و نیز ناشران دولتی کتابهای درسی و تحقیقی مربوط به آموزش عالی، در ظرف مدتی کوتاه به صورت دستور خطی درآید که همگان، به خصوص دانش آموزان و دانشجویان را، که نویسندگان و فرهیختگان و دانشمندان سالهای آینده اند از ناهماهنگی های کنونی در زمینه دستور خط فارسی رهایی بخشد. بی شک حتی در کارهایی که جنبه «باید و نباید»ی دارد نیز می توان در موارد لازم تجدیدنظر کرد. اما بدین بهانه نباید تدوین قواعد را به عهده تعویق افکنند. در واقع باید از نتیجه ای استقبال کرد که حداقل برای مدتی معین راهگشاست. دستورخط فارسی واحد، سبب می شود بتوان از قابلیت های رایانه ای برای ایجاد کتابخانه های گسترده رقومی (دیجیتالی) بهره گرفت و همین امر به تنهایی برای اثبات لزوم و ضرورت پذیرش یک شیوه واحد کفایت می کند و فرهنگستان امیدوار است که از یاری همگان در رواج کامل این «دستورخط» بهره مند گردد.

حسن حبیبی

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

قواعد کلی

۱. حفظ چهره خط فارسی

از آنجا که خط در تأمین و حفظ پیوستگی فرهنگی نقش اساسی دارد، نباید شیوه ای برگزید که چهره خط فارسی به صورتی تغییر کند که مشابهت خود را با آنچه در ذخایر فرهنگی زبان فارسی به جا مانده است به کلی از دست بدهد و در نتیجه متون کهن برای نسل کنونی نامأنوس گردد و نسل های بعد در استفاده از متون خطی و چاپی قدیم دچار مشکل جدی شوند و به آموزش جداگانه محتاج باشند.

۲. حفظ استقلال خط

خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند. البته در نقل آیات و عبارات قرآن کریم، رسم الخط قرآنی رعایت خواهد شد.

۳. تطابق مکتوب و ملفوظ

کوشش می شود که مکتوب، تا آنجا که خصوصیات خط فارسی راه دهد، با ملفوظ مطابقت داشته باشد.

۴. فراگیر بودن قاعده

کوشش می‌شود که قواعد املا به گونه‌ای تدوین شود که استثنا در آن راه نیابد، مگر آنکه استثنا خود قانونمند باشد و یا استثناها فهرست محدود تشکیل دهد.

۵. سهولت نوشتن و خواندن

قاعده باید به گونه‌ای تنظیم شود که پیروی از آن کار نوشتن و خواندن را آسان‌تر سازد، یعنی تا آنجا که ممکن است، رعایت قواعد وابسته به معنا و قرینه نباشد.

۶. سهولت آموزش قواعد

قواعد باید به صورتی تنظیم شود که آموختن و به‌کاربردن آنها تا حد امکان برای عامه باسوادان آسان باشد.

۷. فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست‌خوانی

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب^۱، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود. در نوشته‌های فارسی دو نوع فاصله وجود دارد: یکی فاصله «برون‌کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند «یکی از صاحب‌دلان سر به چپ مراقبت فرو برده بود» (این فاصله در ماشین تحریر و رایانه «فاصله یک حرفی» خوانده می‌شود) و دیگری فاصله «درون‌کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروف منفصل می‌گذارند: ورود، آزاد‌مرد، خردورزی، پردرآمد (این فاصله در تداول نیم‌فاصله خوانده می‌شود). رعایت این نیم‌فاصله به‌ویژه در دست‌نوشته‌ها دشوار است و از این رو اختیاری است و می‌توان ابهام تلفظی را در ترکیب‌هایی مانند خردورزی با حرکت‌گذاری برطرف کرد.

۱. مرکب یا ترکیب به معنای اعم کلمه گرفته شده است و شامل کلمه‌هایی مانند کتابخانه، داروخانه، گلاب، دانشجو، دانش‌پرور، خردورزی، توژم‌زا، غذاخوری، همدلی، ارجمند، بررسی، بازگویی، کتابچه، دفترچه می‌شود.

ویژگیهای خط فارسی

خط فارسی دارای ویژگیهایی است. این ویژگیها و مثالهای هریک در زیر مشخص شده است:

الف) برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد:

- ت (در تار، چتر، دست، سوت)، ط (در طاهر، خطر، ضبط، شرط)؛
- ز (در زن، بزم، تیز، باز)، ذ (در ذرت، غذا، کاغذ، نفوذ)، ض (در ضرب، حضرت، تبعیض، فرض)، ظ (در ظاهر، نظر، حفظ، حفاظ)؛
- ث (در ثبت، مثل، عبث، حادث)، س (در سبد، پسر، نفس، خروس)، ص (در صبر، نصر، تفحص، حرص)؛
- غ (در غالب، مغز، تیغ، باغ)، ق (در قالب، فقیر، حلق، برق)؛
- همزه (در اسم، اسب، آرد، مآخذ، قرآن، رأس، یأس، رؤیا، لوم، رئیس، لثیم، متأللی، جزء)، ع (در علم، رعد، وضع)؛
- ح (در حاکم، سحر، شبح، روح)، ه (در هاشم، شهر، فقیه، دانشگاه)

۱. آنچه درباره تلفظ حروف در اینجا آمده مطابق با زبان معیار رایج در تهران است. در نواحی مختلف ایران میان تلفظ بعضی از حروف فرق می‌گذارند که در اینجا نیازی به ذکر آن نیست.

- (در اسم و نامه)
- ـ (در اسب و نه)
- ـ (در بُلند و رُوز)

ب) بعضی حروف نمایندهٔ بیش از یک صدا هستند:

و مثل دو (عدد)، چو

مور، روز، لیمو، دارو

وام، جواب، روان، ناو، لغو

جوشن، روشن، نو، رهرو

خواهر، خویش

ی مثل یار، پیدا، نای

میز، ریز، پری

موسی، حتی، علی رغم

ه مثل هوا، مهر، مشابه، دانشگاه

نامه، درّه

ج) «و»، اگر پس از «خ» قرار گیرد، گاهی خوانده نمی‌شود، چنان‌که در واژه‌های زیر:

خوان، خویش، خواهر

این «و» که آن را «او معدوله» می‌گویند، در قدیم تلفظ خاصی داشته است که امروزه دیگر متداول نیست.

د) مصوّت‌های ـ، ـ، ـ معمولاً در خط منعکس نمی‌شود و به همین سبب، بسیاری از کلمات با املای مشابه، تلفظ و معنای متفاوت دارند:

برد: بُرد، بُرد، بُرد، بُرد

در بیشتر موارد، از سیاق عبارت یا معنای جمله باید تلفظ مورد نظر را حدس زد:

برد (بُرد) این تفنگ ۱۰۰۰ متر است.

این کار خوب نمی‌برد (بُرد).

در فصل ربیع ... که صولت برد (بُرد) آرمیده بود و او ان دولت وُزد رسیده (سعدی)

در بعضی موارد، به کارنگرفتن نشانهٔ این مصوّت‌ها در خط باعث ابهام یا اشتباه می‌شود، به خصوص در مواردی مثل اعلام و کلمات دخیل‌فرنگی و لغات مهجور که تلفظ صحیح آنها برای عامهٔ خوانندگان روشن نیست. در چنین مواردی صورت نوشتاری حتماً باید بسیار روشن و خوانا و با حرکت‌گذاری باشد:

سازتُر (sartre)، بکت (Beckett)، کینت (Kenneth)، سیر / سیر / سیر؛ دیر / دیر؛ عبید / عبید.

ه) در خط فارسی غالباً یک حرف به دو یا چند صورت نوشته می‌شود و این بستگی به جایگاه آن حرف در کلمه دارد:

ا / ا / ا

ب / ب / ب؛ پ / پ / پ؛ ت / ت / ت

ج / ج / ج؛ چ / چ / چ؛ ح / ح / ح؛ خ / خ / خ

س / س / س؛ ش / ش / ش

ص / ص / ص؛ ض / ض / ض

ع / ع / ع؛ غ / غ / غ

ف / ف / ف؛ ق / ق / ق

ک / ک / ک؛ گ / گ / گ

ل / ل / ل

م / م / م

ن / ن / ن

ه / ه / ه

(و) حروف فارسی دو دسته است:

۱. منفصل (پیوندناپذیر) که به حرف بعد از خود نمی چسبد (ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و).
۲. متصل (پیوندپذیر) که به حرف بعد از خود می چسبد.

(ز) علاوه بر حروف، در خط فارسی نشانه‌های دیگری به شرح زیر وجود دارد:

۱. حرکات یا مصوت‌های کوتاه (َ، ِ، ُ)، مانند پَر، پِر، پُر
۲. مَد (ِ) روی الف، مانند آرد، مآخذ
۳. تشدید (ّ)، مانند عَدّه، پَلّه، بقالی، اَرّه
۴. سکون (ْ)، مانند لب تشنه
۵. یای کوتاه (ِ)، مانند نامه من
۶. تنوین (ً، ٍ، ٌ)، مانند ظاهراً، بعبارة آخری، مضاف‌الیه

(ح) در املائی کلمات و ترکیبات و عبارات عربی، که عیناً وارد زبان فارسی شده است، در بعضی موارد، قواعد املائی عربی رعایت می شود:

موسی، بالقوه، خَلَقَ السَّاعه، حتّی، الی

(ط) دو حرف «و» و «ه» گاهی برای بیان حرکت به کار می رود.

و اگر برای بیان حرکت ماقبل خود به کار رود سه نوع است:

۱. مصوّت کوتاه، مانند دو، تو، چو
 ۲. مصوّت مرکّب، مانند اوج، گوهر، روشن، نو (مثلاً در نوروز)
 ۳. مصوّت بلند، مانند مور، روز، موش، سبو، لیمو، تکاپو
- ه/ه برای بیان حرکت (ِ) و ندرتاً (َ) به کار می رود:
- شماره، نامه، خانه، نه

(ی) در خط فارسی دودسته نشانه به کار می رود: ۱. نشانه‌های اصلی ۲. نشانه‌های ثانوی.

نشانه‌های اصلی مرکّب از ۳۳ نشانه است که به آنها حروف الفبا می گوئیم. بعضی از حروف به تنهایی نماینده بیش از یک صداست (مانند «و») و بعضی دیگر مجموعاً نماینده یک صدا (مانند ث، س، ص).

نشانه‌های ثانوی مرکّب از ۱۰ نشانه است که در بالا یا پایین نشانه‌های اصلی قرار می گیرد و در هنگام ضرورت به کار می رود.

فهرست کامل نشانه‌های خط فارسی، همراه با مثال، در صفحات بعد در ضمن دو جدول آمده است. یادآوری می شود که این حروف برای خط چاپی است. الفبای خط تحریری و نستعلیق تنوع بیشتری دارد.

جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی
نشانه‌های اصلی

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
		که فقط به حرف بعد پیچید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید	که فقط به حرف قبل پیچید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۱	همزه	رئیس، رئالیسم	لثیم	سُ، سُو، سِی	سُ، سِی جزء، رأس
۲	الف*	-	-	سَا	اسب، خانه‌ای
				تأیست (=توقف مکن)	
۳	ب	بار، دبیر	طبیل	سَب شَب	ب آب
۴	پ	پدر، آبارتمان	سپاه	سَپ چَپ	پ توپ
۵	ت	تار، رتبه	استان	سَـت	ت دوات
۶	ث	ثابت، وراثت	مثل	سَـث	ث ارث

* در فرهنگهای کنونی فارسی حرف اَوَّل الفبا را با نشانه مد «آ» یک حرف قرار داده‌اند و ابتدا هم آن را می‌آوردند و در آموزش زبان فارسی هم از این شیوه استفاده می‌شود.

** نشانه نوشتاری «ة / ة» در کلمه‌هایی چون صلوة، دایرة المعارف، بقیة الله، سریع‌الحركة عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
		که فقط به حرف بعد پیچید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید	که فقط به حرف قبل پیچید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۷	جیم	جان، مواجب	مجلس	جِج رِج	ج موج
۸	چ	چشم، کوچه	پامچال	چِچ گِچ	چ پرچ
۹	ح	حال، رحم	محل	حِح صِبح	ح روح
۱۰	خ	خال، ناخن	سخن	خِخ نِخ	خ شاخ
۱۱	دال	-	-	دِـد	د دست، آدم
۱۲	ذال	-	-	دِـذ	ذ ذرت، نفوذ
۱۳	ر	-	-	رِـر	ر رنگ، سوار
۱۴	ز	-	-	زِـز	ز زنگ، نیاز
۱۵	ژ	-	-	ژِـژ	ژ ژاله، دژ
۱۶	سین	سیب، آسیب	مست	سِـس مِـس	س داس
۱۷	شین	شور، آشوب	کشتی	شِـش آش	ش هوش
۱۸	صاد	صابون، اصیل	عصر	صِـص شِـص	ص خاص

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
		که فقط به حرف بعد پیچید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید	که فقط به حرف قبل پیچید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۱۹	ضاد	ض	ض	ض	ض فرض
۲۰	طا	ط	ط	ط	ط افراط
۲۱	ظا	ظ	ظ	ظ	ظ حفاظ
۲۲	عین	ع	ع	ع	ع شجاع
۲۳	غین	غ	غ	غ	غ باغ
۲۴	ف	ف	ف	ف	ف برف
۲۵	قاف	ق	ق	ق	ق ساق
۲۶	کاف	ک	ک	ک	ک پاک
۲۷	گاف	گ	گ	گ	گ بزرگ
۲۸	لام	ل	ل	ل	ل دل
۲۹	میم	م	م	م	م نام
۳۰	نون	ن	ن	ن	ن زمان

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
		که فقط به حرف بعد پیچید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید	که فقط به حرف قبل پیچید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۳۱	واو	-	-	و	و راهرو، دارو، ناو
۳۲	ه	ه	ه	ه	ه کوه، روزه
۳۳	ی	ی	ی	ی	ی بازی، خوی

جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی

نشانه‌های ثانوی

شماره	نام نشانه	علامت	مثال
۱	مِ روي الف	آ	آرد، مأخذ
۲	زیر (فتحه)	ـِ	گرما، دَرَجَات
۳	پیش (ضمه)	ـُ	گندم، عُثُور
۴	زیر (کسره)	ـِ	بِگاه، فِرستادن
۵	سکون (جزم)	ـَ	دَل، گِرَہ
۶	تشدید	ـّ	مَعْلَم، حَقّ مطلب
۷	بای کوتاه روي های غیرملفوظ	ـُ	نامه من
۸	تنوین نصب	أ، سَأ، ؤ	ظاهراً، واقعاً، بناءً علی هذا
۹	تنوین رفع	ـُ	مضاف الیه
۱۰	تنوین جرّ	ـِ	بعبارة آخری

املاي بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها

ای (حرف ندا) همیشه جدا از منادا نوشته می‌شود:

ای خدا، ای که

این، آن جدا از جزء و کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

استثنا: آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا، وانگهی

همین، همان همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

همین خانه، همین جا، همان کتاب، همان جا

هیچ همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

هیچ یک، هیچ کدام، هیچ کس

چه جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

چه همواره به کلمه پیش از خود می‌چسبند:

آنچه، چنانچه، خوانچه، کتابچه، ماهیچه، کمانچه، قباله نامچه

را در همه جا جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

چرا در معنای «برای چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش

منفی.

تبصره. استعمال نشانه‌های شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ الزامی نیست و این علامت را عمدتاً برای رفع ابهام به کار می‌برند.

که جدا از کلمه پیش از خود نوشته می شود:

چنانکه، آنکه (= آنکسی که)

استثنا: بلکه، آنکه، اینکه

ابن، حذف یا حفظِ همزهٔ این کلمه، وقتی که بین دو عَلم (اسم خاص اشخاص) واقع شود، هر دو صحیح است:

حسین بن علی / حسین ابن علی؛ محمد بن زکریای رازی / محمد ابن زکریای

رازی؛ حسین بن عبدالله بن سینا / حسین ابن عبدالله ابن سینا

به در موارد زیر پیوسته نوشته می شود:

۱. هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید (همانکه اصطلاحاً «بای زینت» یا «بای تأکید» خوانده می شود):

بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن (= گفتن)

۲. به صورت بدین، بدان، بدو، بدیشان^۱ به کار رود.

۳. هرگاه صفت بسازد:

بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام

به در سایر موارد جدا نوشته می شود:

به برادرت گفتم، به سربردن، به آواز بلند، به سختی، منزل به منزل، به نام خدا

تبصره: حرف «به» که در آغاز بعضی از ترکیبهای عربی می آید از نوع حرف اضافهٔ فارسی نیست و پیوسته به کلمه بعد نوشته می شود:

بعینه، بنفسه، برای العین، بشخصه، مابازاء، بذاته

— هرگاه «بای زینت»، «نون نفی»، «میم نهی» بر سر افعالی که با الفِ مفتوح یا مضموم آغاز می شوند (مانند انداختن، افتادن، افکندن) بیاید، «الف» در نوشتن حذف می شود:

بینداز، نیفتاد، میفکن

بی همیشه جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر آنکه کلمه بسیط گونه باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن نباشد:

۱. گونهٔ قدیمی حرف اضافهٔ «به» فقط در کلمات بدین، بدان، بدو، بدیشان باقی مانده است.

بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا

می و همی همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود:

می رود، می افکند، همی گوید

هم همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر در موارد زیر:
۱. کلمه بسیط گونه باشد:

همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان

۲. جزء دوم تک هجایی باشد:

همدرس، همسنگ، همکار، همراه

در صورتی که پیوسته نویسی «هم» با کلمه بعد از خود موجب دشواری خوانی شود، مانند همصنف، همصوت، همتیم جدا نویسی آن مرجح است.

۳. جزء دوم با مصوت «آ» شروع شود:

همایش، هموارد، هماهنگ

در صورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، هم جدا نوشته می شود:

هم آرزو، هم آرمان

تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می شود، جدا نوشته می شود:

هم اسم، هم مرز، هم مسلک

تر و ترین همواره جدا از کلمه پیش از خود نوشته می شود، مگر در:

بهتر، مهتر، کهنتر، بیشتر، کمتر

ها (نشانهٔ جمع) در ترکیب با کلمات به هر دو صورت (پیوسته و جدا) صحیح می باشد:

کتابها/ کتاب ها، باغها/ باغ ها، چاهها/ چاه ها، کوهها/ کوه ها، گرهها/ گره ها

اما در موارد زیر جدا نویسی الزامی است:

۱. هرگاه ها بعد از کلمه های بیگانه نامأنوس به کار رود:

مرکاتیلیست ها، پزیتویست ها، فرمالیست ها

۲. هنگامی که بخواهیم اصل کلمه را برای آموزش یا برای برجسته سازی

مشخص کنیم:

کتاب‌ها، باغ‌ها، تمدن‌ها، ایرانی‌ها

۳. هرگاه کلمه پرنندانه (بیش از سه دندان) شود و یا به «ط» و «ظ» ختم شود:

پیش‌بینی‌ها، حساسیت‌ها، استنباط‌ها، تلفظ‌ها

۴. هرگاه جمع اسامی خاص مدنظر باشد:

سعدی‌ها، فردوسی‌ها، مولوی‌ها، هدایت‌ها

۵. کلمه به‌های غیرملفوظ ختم شود:

میوه‌ها، خانه‌ها

یا به‌های ملفوظی ختم شود که حرف قبل از آن حرف متصل باشد:

سفیه‌ها، فقیه‌ها، پیه‌ها، به‌ها

مجموعه ام، ای، است، ...

صورت‌های متصل فعلی «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند)، به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت متصل	-	خشنودم خشنودی خشنوداست خشنودیم خشنودید خشنودند رهروم رهروی رهرواست رهرویم رهروید رهروند پاکم پاکس پاک است پاکیم پاکید پاک‌اند
«آ»	«ی»	دانایم دانایی داناست* داناییم دانایید ^۱ دانایند دانشجویم دانشجویی دانشجوست* دانشجوییم دانشجویید دانشجویند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «تو» به کار رفته است	همزه	توأم توای/تویی نوست* توایم (شماکارند) مترواید ^۲ تواند خسته‌ام خسته‌ای خسته‌است خسته‌ایم خسته‌اید خسته‌اند
«ای»	همزه	تیزه‌ام تیزه‌ای تیزه‌است تیزه‌ایم تیزه‌اید تیزه‌اند کاری‌ام کاری‌ای کاری‌است کاری‌ایم کاری‌اید کاری‌اند

* کلمه‌های ستاره‌دار در این جدول از قاعده مستثنا هستند.

۱. چنانچه کلمه‌ای مختوم به مصوت باشد و جزء پس از آن نیز با مصوت آغاز شده باشد، می‌توان در فاصله میان دو مصوت از دو نوع صامت میانجی (با ارزش یکسان) استفاده کرد: یکی صامت «ی» و دیگری صامت «همزه»؛ نظیر دانایید/ دانایید؛ زیبای/ زیبای؛ تنهای/ تنهای، که در بعضی همزه غلبه دارد و در بعضی دیگر «ی» و از کلمه‌ای به کلمه دیگر فرق می‌کند. در اینجا، برای حفظ یکدستی و سهولت آموزش، صامت میانجی «ی» انتخاب شده است.

۲. چون «تواید» معنا ندارد، «مترواید» آورده شد.

ضمایر ملکی و مفعولی

ضمایر ملکی و مفعولی^۱ [اِم، سَت، سَش، مَمان (مان)، مَتان (تان)، مِشان (شان)]، در حالات شش‌گانه، همراه با واژه‌های پیش از خود به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادرم برادرت برادرش برادرمان برادران برادرشان
صامت متصل	-	کتابم کتابت کتابش کتابمان کتابان کتابشان
«و» یا صدایی نظیر آنچه در «رهر» به کار رفته است	-	رهرم رهروت رهروش رهرومان رهروتان رهروشان
«آ»	«ی» ^۲	پایم پایت پایش پایمان پایان پایشان
«و» یا صدایی نظیر آنچه در «عمو» به کار رفته است	«ی»	عمویم عمویت عمویش عمومان عموتان عموشان
«س» (های غیرملفوظ) پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	خانهام خانعات خانهای خانمان خانتان خانهایشان
«ر» یا صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است	همزه	پیم پیت پایش پیمان پیتان پیتانشان
«ای» پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	کشمی‌ام کشمیت کشمیش کشمیمان کشمیتان کشمیشان
«و» یا صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است	همزه ^۳	رادیوام رادیوات رادیوایش رادیومان رادیوتان رادیوشان

- در دستورهای اخیر زبان فارسی، به جای اصطلاحاتی نظیر «ضمیر ملکی» یا «ضمیر مفعولی»، اصطلاح «ضمیر شخصی متصل» به کار می‌رود.
- این «ی» ممکن است در مواردی حذف شود. در تداول عامّه «بابام» به جای «بابایم» گفته می‌شود. در ادبیات داستانی هم، زمانی که نویسنده زبان گفتار را ضبط می‌کند، وضع به همین منوال است. در شعر به ضرورت شعری این حذف صورت می‌گیرد، مثلاً استعمال «بازوت» به جای «بازویت» در این مصراع: «آفرین بر دست و بر بازوت باد».
- در محاوره، اصولاً همزه و مصوّت آغازی حذف می‌شود، مثلاً گفته می‌شود «رادیوم خراب شد» و نه «رادیوام خراب شد».

بای نکره و مصدری و نسبی

بای نکره (همچنین بای مصدری و نسبی) در حالات گوناگون به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادری
صامت متصل	-	کتابی
«و» یا صدایی نظیر آنچه در «رهر» به کار رفته است	-	رهردی
«س» (های غیرملفوظ) ^۱	همزه	خانهای
«ر» یا صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است	همزه	تیزی‌ای
«آ»	همزه	کشتی‌ای
«ای» پیش از ضمایر ملکی مفرد	«ی»	رادیویی
«و» یا صدایی نظیر آنچه در «دانشجو» به کار رفته است	«ی»	دانایی
	«ی»	دانشجویی

- های غیرملفوظ، در الحاق به «بای مصدری»، حذف می‌شود و «گ» میانجی به جای آن می‌آید: بندگی. در چند کلمه، های غیرملفوظ در الحاق به «بای نسبت» افتاده و «گ» میانجی اضافه شده است: «خانگی»، «همبشگی»، «هفتگی».

کسره اضافه

نشانه کسره اضافه در خط آورده نمی‌شود، مگر برای رفع ابهام در کلماتی که دشواری ایجاد می‌کند:

اسب سواری / اسب سواری

– کلماتی مانند رهرو، پرتو، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می‌آید، مانند «پرتوی آفتاب» و گاهی بدون آن، مانند «پرتو آفتاب». آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.

– برای کلمات مختوم به‌های غیرملفوظ، در حالت مضاف، از علامت «ه»^۱ استفاده می‌شود:

خانه من، نامه او

– «ی»، در کلمه‌های عربی مختوم به «ی» (که «آ» تلفظ می‌شود)، در اضافه به کلمه بعد از خود، به «الف» تبدیل می‌شود:

عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کُبریای قیاس

۱. این علامت کوتاه‌شده «ی» است.

نشانه همزه

همزه میانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «ای» و «او» و «ب» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

رأفت، تأسف، تالأق، مانوس، شأن

رئیس، لثیم، رئوف، مؤنت، مطمئن، مضمّن

تبصره: در کلمات عربی بر وزن «مُتَفَعِّل» نظیر متأثر، متأخر، متألم که در تداول، اولین فتحه آنها به کسره تبدیل شده، همان صورت عربی آن ملاک قرار گرفته است.

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

رؤیا، رؤسا، مؤسسه، مؤذن، مؤثر، مؤانست

شئون، رئوس

« گاهی، خصوصاً در خوشنویسی، در زیر همزه پایانی «ه»، بدون اینکه به کلمه دیگری اضافه شده باشد، علامتی شبیه کسره می‌گذارند که صحیح نیست.

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورتِ آ/آ نوشته می‌شود:

مآخذ، لآلی، قرآن، مرآت

در بقیه موارد و در کلیه کلماتِ دخیلیِ فرنگی با کرسی «ی» نوشته می‌شود:

لثام، رثالیست، قرانات، استثنائات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت،

لثون، سنول، تئاتر، ثون^۱

استثنا: توأم

همزه پایانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد (مانند همزه میانیِ ماقبل مفتوح)، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود:

خلأ، ملأ، مبدأ، منشأ، ملجأ

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد (مانند همزه میانیِ ماقبل مضموم)، روی کرسی «و» نوشته می‌شود:

لؤلؤ، تَلَلُؤ

ج) اگر حرف پیش از آن مکسور باشد، روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

متلألئ^۲

د) اگر حرف پیش از آن ساکن یا یکی از مصوت‌های بلند «آ» و «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود:

جزء، سوء، شیء، بَطْء، بطیء، سماء، ماء، املاء، انشاء^۳

تبصره ۱: کلماتی مانند انشاء، املاء، اعضاء در فارسی بدون همزه پایانی هم نوشته می‌شود که صحیح است.

تبصره ۲: هرگاه همزه پایانیِ ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانیِ ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») و یا همزه پایانیِ ماقبل مضموم (با کرسی «و») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «ی» می‌گیرد و کرسیِ قبلی آن نیز حفظ می‌شود.

جزئی، شیئی، منشائی، لؤلؤئی

راهنمای کتابت همزه، در صفحات بعد، در جدول شماره ۳، ارائه شده است.

۱. کلمه هیدروژن گاهی ئیدروژن نوشته می‌شود که صحیح نیست.

۲. کلمه منشی در اصل مُنْشِئ بوده است که در فارسی «ء» به «ی» بدل شده است.

۳. همزه پایانی بدون کرسی در کلمات انشاء، املاء، اعضاء، در فارسی، در اضافه به کلمه بعد از خود، غالباً حذف می‌شود و به جای آن «ی» میانجی می‌آید، مانند انشای خوب، اعضای بدن، ولی حفظ همزه آن هم صحیح است: انشاء خوب، اعضاء بدن.

جدول ۳. راہنمای کتابتِ ہمزه

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«آ، آء»	«أ، اء»
«ء»	«ئ، ئء»	«ؤ، وء»	قرآن	بأس
بُطء	اثنلاف	تلاؤ	لالی	تأثیر
بَطیء	ارائه	رؤسا	مأل	تأخر
جزء	اسائہ	رؤیا	مرآت	تأخیر
سوء	استثنائات	رؤیت	مأخذ	تأدیب
سوء	استثنائی	سؤال	مأثر	تأذی
سوء	القائات	فؤاد	منشآت	تأسف
فیء	اورلٹان	لؤلؤ	مأب	تأسیس
ماء	ایدتالیسم	لؤم	مأرب	تأکید
	بثاتریس	مؤالفت		تألف
	بشر	مؤانست		تألیف
	پرومتھوس	مؤتلف		تأمیل
	پنگوئن	مؤتمن		تأمین
	تبرئہ	مؤثر		تأنی
	تخطئہ	مؤذب		تأنیث
	تئاتر	مؤذی		تأویل
	تئودور	مؤذن		تفأل
	توطئہ	مؤسس		تلاؤ
	جزئی	مؤسسہ		توأم
	سوئی	مؤکد		

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«آ، آء»	«أ، اء»
«ء»	«ئ، ئء»	«ؤ، وء»		خلاً
	جرتت	مؤلف		رأس
	دنائت	مؤمن		رأی
	دوئل	مؤنث		سبأ (قرآنی)
	رافائل	مؤؤل		شأن
	رتالیست	مؤید		مأثور
	رتالیسم			مأجور
	رتوس			مأخذ
	رتوف			مأخوذ
	رتیس			مأذون
	زوتن			مأکول
	زئوفیزیک			مألوف
	سٹانس			مأمن
	سٹول			مأمور
	سوئد			مأنوس
	سینات			مأوا
	شائول			مأیوس
	ششون			مبدأ
	قراثت			متأثر
	قراثات			متأخر
	کاکائو			متأذی
	کلئوپاترا			متألم
	لائوس			

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«أ، آ»	«أ، آ»
	لثام، لثیم لثون لوثی ماتوماثو مسائل مشول مثنوت مرئوس مرئی مشمئز ناپلثون نشه نشئت نوئل نثون ویدئو هیئت			متأمئل متأهل متألئ مستأصل ملا ملجأ مشأ نبا (قرآنی) یأس

واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی

«ة» در واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته می‌شود:

رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، براثت

به استثنای صلوة، مشکوة، زکوة، رحمة الله علیه (درجایی که مراعات رسم الخط قرآنی این کلمات در نظر باشد).

۲. اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، به صورت «ه/ه» (های غیرملفوظ) نوشته می‌شود:

علاقة، معاینه، نظاره، مراقبه، آتیه

و در این حالت از قواعد مربوط به «های» غیرملفوظ تبعیت می‌کند

علاقة‌مند، نظارگان، معاینه بیمار، مراقبه‌ای

۳. در ترکیبات عربی رایج در فارسی، مانند کلمه الوداد، لیلۃ القدر، ثقة الاسلام، خاتمة الامر، دائرة المعارف، معمولاً به صورت «ة/ة» نوشته می‌شود، اما گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجۃ الاسلام و آیت الله، به صورت «ت» می‌آید که آن هم درست است.

«و» که در برخی از کلمه‌های عربی، مانند زکوة، حیوة، مشکوة، صلوة به صورت «آ» تلفظ می‌شود، در فارسی (جز در مواردی که رعایت رسم الخط قرآنی این‌گونه کلمات مورد نظر باشد) به صورت «الف» نوشته می‌شود.^۱

زکات، حیات، مشکات، صلوات

تبصره: کلمه‌هایی مانند زکوة، مشکوة، صلوة (اگر به این صورت نوشته شده باشد)، در اضافه به «ی» نسبت یا وحدت، با «ا» و «ت» نوشته می‌شود:

زکاتی، مشکاتی، صلواتی، حیاتی

«الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. الی، علی، حتی، اولی، اولی

۲. اسمهای خاص:

عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی

تبصره: واژه‌هایی مانند اسمعیل، هرون، رحمن که در رسم الخط قرآنی به این صورت نوشته می‌شود در فارسی با «الف» نوشته می‌شود: اسماعیل، هارون، رحمان. بعضی کلمات از قاعده فوق مستثناست الهی، اعلیحضرت...

۳. ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است:

اعلام‌الهدی، بدرالدجی، طویس‌لک، لا تُعَدُّ ولا تُحصی، سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى، لا تُحصی (صیغه‌های فعلی)

— اسامی سوره‌های قرآن (مانند یس، طه، و...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می‌شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طاهّا و... قاعده تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می‌شود.

۱. اسامی خاص در متون قدیم و نام خانوادگی اشخاص، اگر با املائی عربی ثبت شده باشد، به همان شکل حفظ می‌شود: مشکوة الدینی، حیوة الحیوان و اگر با املائی فارسی ثبت شده باشد به صورت رحمت‌الله، حشمت‌الله نوشته می‌شود.

تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری

هجای میانی «-وو-»

آوردن تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته‌های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است. تنوین به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. تنوین نصب: در همه جا به صورت «أ/أ» نوشته می‌شود:

واقعا، جزئاً، موقتاً، عجالتاً، نتیجتاً، مقدمتاً، طبیعتاً، عمداً، ابدأ^۱

تبصره ۱: کلمه‌های مختوم به همزه، مانند جزء، استثناء، ابتداء، هرگاه با تنوین نصب همراه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی» می‌آید و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد: جزئاً، استثناءً، ابتداءً.

تبصره ۲: تاء عربی «ة/ة»، اعم از آنکه در فارسی به صورت «ت» یا «ه/ه» (های غیرملفوظ) نوشته یا تلفظ شود، در تنوین نصب، بدل به «ت» کشیده می‌شود و علامت تنوین روی الفی قرار می‌گیرد که پس از «ت» می‌آید، مانند نتیجتاً، موقتاً، نسبتاً، مقدمتاً، حقیقتاً.

۲. تنوین رفع و تنوین جرّ: در همه جا به صورت — و — نوشته می‌شود و فقط

۱. اگر بخواهیم بی‌تنوین خوانده شود: مطلقاً، اصلاً، ابدأ.

در ترکیبات مأخوذ از عربی که در زبان فارسی رایج است به کار می‌رود:
مشارألیه، مضافألیه، منقولأ عنه، مختلفأ فیه، متفقأ علیه
بعبارة أخری، ابأعن جلد، بای نحوکان

گذاشتن تشدید همیشه ضرورت ندارد مگر در جایی که موجب ابهام و التباس شود که یکی از مصادیق آن هم نگاشت هاست^۱:
معین / معین؛ علی / علی؛ دوار / دوار؛ کَره / کَره؛ بنا / بنا
تبصره: در متون آموزشی برای نوآموزان و غیر فارسی‌زبانان و نیز در اسناد و متون رسمی دولتی، گذاشتن تشدید در همه موارد ضروری است.

حرکت‌گذاری تنها در حدی لازم است که احتمال بدخوانی داده شود:
عَرَضه / عَرَضه؛ حَرَف / حَرَف؛ بُزْد / بُزْد؛ سَرْجَشْمه / سَرْجَشْمه

واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:
طاووس، لهاوور، کیکاووس، داوود

تبصره ۱: نوشتن «داود» با یک واو به تبعیت از رسم الخط قرآنی بلامانع است.
تبصره ۲: در مورد نام شخص، ضبط نهادی شده (مطابق شناسنامه) اختیار می‌شود:
کاوس، کاوسی.

ترکیبات*

در باب پیوسته‌نویسی و یا جدانویسی ترکیبات در زبان فارسی سه فرض قابل تصور است:

۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.
۲. تدوین قواعدی برای پیوسته‌نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.
۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی از کلمات مرکب و پیوسته‌نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار در خصوص سایر کلمات به نویسندگان. فرهنگستان در تدوین و تصویب «دستور خط فارسی»، فرض سوم را برگزیده و تنها موارد الزامی جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی را به شرح زیر معین کرده است:

الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود

۱. کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود همیشه جدا نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم»، با رعایت

۱. هم‌نگاشت: به واژه‌ای اطلاق می‌شود که املائی واحد اما دو تلفظ و دو معنی متفاوت دارد.

* در اینجا ترکیبات شامل مرکب و مشتق است و به معنایی اعم از معنای موردنظر نویسندگان کتابهای دستور زبان به کار رفته است.

استثناهایی، ساخته می‌شود و احکام آن در «املای بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها» (ص ۲۲ و ۲۳) آمده است.

۲. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود همیشه پیوسته نوشته می‌شود، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:

نظام‌مند، آب‌بان

ب) جزء اول آن عدد باشد:

پنج‌گانه، ده‌گانه، پانزده‌گانه

استثنا: بیستگانی (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و یا پیوسته نویسی تابع قاعده‌ای نیست، در بعضی کلمه‌ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می‌شود:

طوطی‌وار، فردوسی‌وار، طاووس‌وار، پری‌وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳. مرکب‌هایی که بسیط‌گونه است:

آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سیصد، هفتصد،

یکتا، بیستگانی

۴. جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک‌هجایی باشد:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: جزء دوم، اگر با «آ» آغاز شود و بیش از یک هجا داشته باشد، از قاعده‌ای تبعیت نمی‌کند: گاهی پیوسته نوشته می‌شود، مانند دلاویز، پیشاهنگ، بسامد، و گاهی جدا، مانند دانش‌آموز، دل‌آگاه، زبان‌آور.

۵. هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مزج یا جابه‌جایی آوایی

در داخل آنها روی داده باشد:

چنو، هشیار، ولنگاری، شاهسپر، نستعلیق، سکنجبین

۶. مرکبی که دست کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد:

غمخوار، رنگرز، کهربا

۷. مرکب‌هایی که جدانویشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند:^۱

بهیار (به‌یار)، بهروز (به‌روز)، بهنام (به‌نام)

۸. کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها تک‌هجایی باشد و به‌صورت رسمی یا

نیمه‌رسمی، جنبه سازمانی و اداری و صنفی یافته باشد:

استاندار، بخشدار، کتابدار، آشپز

ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود

۱. ترکیب‌های اضافی (شامل موصوف و صفت، و مضاف و مضاف‌الیه):

دست‌کم، شورای عالی، حاصل‌ضرب، صرف‌نظر، سیب‌زمینی، آب‌میوه،

آب‌لیمو

۲. جزء دوم با «الف» آغاز شود:

دل‌انگیز، عقب‌افتادگی، کم‌احساس

۳. حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم‌مخرج باشد:

آیین‌نامه، پاک‌کن، کم‌مصرف، چوب‌بری، چوب‌پرده

۴. مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر:

سنگین‌رنگین، پول‌مول، تک‌تک، حق‌حق

۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:

سخن‌گفتن، نگاه‌داشتن، سخن‌گفتم، نگاه‌داشتم

۶. مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد:

خوش‌پُز، شیک‌پوش، پاگون‌دار

۷. عبارتهای عربی که شامل چند جزء باشد:

مع‌ذلک، من‌بعد، علی‌هذا، ان‌شاءالله، مع‌هذا، باری‌تعالی، حق‌تعالی،

علی‌ای‌حال

۱. این التباس بیشتر در بَ، کَ و کُ (صورت کُ بیشتر در قدیم و عمدتاً در شعر به کار رفته است) مشاهده می‌شود: بهساز، کهربا، کهکشان، کهگیل، کهریز، کُهار.

تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» جایز است.

۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:

پنج تن، هفت گنبد، هشت بهشت، نه فلک، ده چرخه

تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر، با هر دو املا صحیح است:

یکسویه / یکسویه؛ یکشبه / یکشبه؛ یکسره / یکسره؛ یکپارچه / یک پارچه

۹. کلمه‌های مرکبی که جزء اول آنها به های غیرملفوظ ختم شود (های غیرملفوظ در حکم حرف منفصل است):

بها نه گیر، پایه دار، کناره گیر

تبصره: کلمه‌هایی مانند تشنگان، خفتگان، هفتگی، بچگی که در ترکیب، های غیرملفوظ آنها حذف شده و به جای آن «گی» میانجی آمده است، از این قاعده مستثناست.

۱۰. کلمه با پیوسته نویسی، طولانی یا نامأنوس یا احیاناً پردندانه شود:

عافیت طلبی، مصلحت بین، پاک ضمیر، حقیقت جو

۱۱. هرگاه یکی از اجزای کلمه مرکب دارای چندگونه مختوم به حرف منفصل و حرف متصل باشد، چون جدانویسی گونه یا گونه‌های مختوم به حرف منفصل اجباری است به تبع آن جدانویسی گونه یا گونه‌های دیگر نیز منطقی تر است:

پابره نه / پایی برهنه؛ پامال / پایی مال

۱۲. یک جزء کلمه مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد:

اجل رسیده، نمک پرورده، اخلاص کننده، پاک کننده

۱۳. یک جزء آن اسم خاص باشد:

سعدی صفت، عیسی دم، عیسی رشته مریم بافته

۱۴. جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد:

نیک بخت، هفت پیکر، شاه نشین، سیه چشم

۱۵. هرگاه با پیوسته نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً ابهام معنایی پدید آید:

پاک نام، پاک دامن، پاک رای، خوش بیاری

— رواج ضبط: مثلاً صورتهای آذوقه، حوله، حلیم، تالار، قداره، قورباغه و... به همین اعتبار انتخاب شده است.

— در موارد نادر، بعضی ملاحظات تاریخی و همچنین پرهیز از افزایش تعداد واژه‌هایی که دارای املائی واحد اما به دو یا چند معنی است مورد نظر بوده است.

— عموماً ضبط کتابهای درسی، به‌ویژه دبستانی، ترجیح داده شده است.

— صورت املائی تازه، هر چند مرجح باشد، پیشنهاد نشده است.

واژه‌هایی با چند صورت املائی

در فارسی کلماتی وجود دارد که دارای دو یا چند صورت املائی مضبوط است. مراد واژه‌هایی است که در کتابت آنها حروف هماوا (ا/ع؛ ت/ط؛ ث/س/ص؛ ح/ه؛ ذ/ز/ض/ظ؛ غ/ق) به کاررفته باشد. فهرست این واژه‌ها و ضبط پیشنهادی برای آنها، به تفکیک عام و خاص، به شرح زیر است:

فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

در این فهرست فقط واژه‌هایی درج شده است که دارای دو یا چند صورت املائی ضبط شده باشد و علاوه بر آن در زبان فارسی امروز به کار رود، یا واژه‌هایی چون نامهای گیاهان و جانوران و خوراکیها و داروها و نظایر آنها که کاربرد فراوان دارد.

واژه‌های مهجور یا متروک در فهرست نیامده است. این‌گونه واژه‌ها از هر متنی با ضبط همان متن نقل می‌شود.

در مواردی که ضبط کلمه یا اسمی (اعم از اسم شخص یا محل جغرافیایی) با ضبط مختار آن کلمه یا اسم متفاوت باشد، در متون تاریخی و قدیمی همان ضبط قدیم نوشته می‌شود.

در ضبط واژه‌ها، ضوابط زیر به ترتیب اولویت رعایت شده است:

صورتهای املائی*

۱/ا

ضبط مختار

آزوقه / آذوقه

آذوقه

آروغ / آروق

آروغ

آقا / آغا

آقا

(کلمه «آقا» امروزه با حرف «ق» نوشته می‌شود، ولی این کلمه در قدیم گاهی لقب زنان بوده و با حرف «غ» به صورت «آغا» نوشته می‌شده است، مانند شادمملک‌آغا، گلین‌آغا، و گاهی نیز با همین کتابت در مورد مردان به کار می‌رفته است، مانند آغامحمدخان و آغاپاشا. در این موارد خاص، در خط فارسی امروز نیز همان ضبط قدیم رعایت می‌شود.)

اتاق / اطاق

اتاق

اتو / اطو

اتو / اطو

* واژه‌هایی که حرف آغازی آنها دارای دوگونه نوشتاری است، برای سهولت مراجعه، فقط ذیل حرفی آورده شده که اگر می‌خواستیم آن کلمه را به فارسی سره بنویسیم با آن حرف می‌نوشتیم، به‌جز کلماتی که با دو حرف «ق» و «غ» آغاز می‌شود که ذیل حرف «ق» آورده شده است.

صورت‌های املائی	ضبط مختار	صورت‌های املائی	ضبط مختار
اختاپوس / اختاپوٹ	اختاپوس	تاغ / تاغ (نام درختچه)	تاغ
اسطبل / اصطبل	اسطبل	طاق / طاق	طاق
اسطرلاب / اصطرلاب	اسطرلاب	طاق / طاق (در مقابل جفت)	طاق
افستین / افستین	افستین	طاقدیس / طاقدیس	طاقدیس
آلم‌شنگه / عَلم‌شنگه	آلم‌شنگه	تالار / طالار	تالار
امپراتور / امپراطور	امپراتور	تاوول / طاوول	تاوول
امپراتریس / امپراطریس	امپراتریس	تایر / طایر (چرخ ماشین)	تایر
اتراق / اطراق	اتراق	تباشیر / طباشیر	تباشیر
ب		تبرخون / طبرخون	تبرخون / طبرخون
باباغوری / باباقوری	باباغوری	تبرزد / طبرزد	تبرزد / طبرزد
باتری / باطری	باتری / باطری	تبرزین / طبرزین	تبرزین
باتلاق / باطلاق	باتلاق	تپانچه / طپانچه	تپانچه
باجناغ / باجناع	باجناغ	تپیدن / طپیدن	تپیدن
بغچه / بقچه	بغچه / بقچه	(مشنقات آن نیز با «ت» نوشته می‌شود)	
بلغور / بلقور	بلغور	تپق	تپق
بلیت / بلیط	بلیت	تُتماج	تُتماج (نام نوعی آش)
پ		تراز / طراز	تراز (= تراز آبی)
پاتوق / پاتوغ	پاتوق	تراز / طراز	تراز (= نگارِ جامه)
ت		(همچنین در عبارتی مثل «طراز اول» به معنای «دارای مقام اول»)	
ترق و توروق / تاراغ و توروغ	ترق و توروق	هم‌تراز و هم‌طراز هر دو صحیح است.	
تارم / طارم	طارم	ترخون / طرخون	ترخون
تنبور / طنبور	تنبور	ترقه / طرّقه	ترقه
تاس / طاس	طاس	تشت / طشت	تشت / طشت
تاس کباب / طاس کباب	طاس کباب	تغار / طغار	تغار
		تویقا / طویقا	طویقا
		توفان / طوفان	توفان / طوفان

صورت‌های املائی	ضبط مختار
چ	
چارق / چارغ	چارق
چلغوز / چلقوز	چلغوز
خ	
ختمی / خطمی (گُل)	خطمی
د	
دوقلو / دوغلو	دوقلو
ز	
زغال / ذغال	زغال
س	
سوغات / سوقات	سوغات
غ	
غلتیدن / غلطیدن	غلتیدن
	(همچنین مشتقات آن مثل «غلتان»، «غلتک»، «بام غلتان»)
ق	
قاتی / قاطی	قاتی
قاروقور / غاروغور	قاروقور
قباد / غباد (نام ماهی)	قباد
قَدّاره / غَدّاره	قَدّاره

صورت‌های املائی	ضبط مختار
قُدُقُد / عُدُعُد	قُدُقُد
قدغن / غدغن / غدقن	غدغن
قراقروت / قراقروط	قراقروت
قرتی / غرتی	قرتی
قرشمال / غرشمال	قرشمال
قُرُق / عُرُق	قُرُق
قرمه / غرمه / قورمه	قورمه
قروش / غروش	قروش
قَزَقان / قَزغان	قَزَقان
(گونه‌های دیگر: قازغان / قازقان، غزغن / قزغن)	
قشقرق / غشغرق	قشقرق
قشلاق / قشلاغ	قشلاق
(گونه‌های دیگر: قیشلاق / قیشلاغ)	
قفص / ققص	قفص
قُلُب / غُلُب	قُلُب
قلنبه / غلنبه	قلنبه
قلیان / غلیان	قلیان
قورباغه / غورباغه	قورباغه
قورت / غورت	قورت
قوٹی / قوتی	قوٹی
قَبِقاج / غَبِقاج	قَبِقاج
قَبِماق / قَبِماغ	قَبِماق
ل	
لاتاری / لاطاری	لاتاری
لق / لغ	لق
لق و لوق / لغ و لوغ	لق و لوق

صورت‌های املائی	ضبط مختار
لَق لَق / لَغ لَغ لوطی / لوتی	لَق لَق لوطی
م	
ملات / ملاط	ملاط
ن	
ناسور / ناصور نسطوری / نستوری	ناسور نسطوری
نِق نِق / نِغ نِغ نفت / نبط	نِق نِق نفت
نفتالین / نبطالین	نفتالین
و	
ورقلمبیدن / ورقلمبیدن وَق وَق / وَغ وَغ	ورقلمبیدن وَغ وَغ
ه	
هلیم / حلیم هوله / حوله هیز / حیز	حلیم حوله هیز
ی	
یاتاقان / یاطاقان یالقوز / یالفوز یُر قه / یُر غه / یورقه / یورغه یُغور / یُغور	یاتاقان یالقوز یورغه یُغور

فهرست اعلام دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

صورت‌های املائی	ضبط مختار
آقاخان / آقاخان آجاجری / آجاجری آلاداغ / آلاداغ اُترار / اُترار اتریش / اطریش استهبانات / اسطهبانات / اسطهبانات استخر / اسطخر / اسطخر ایتالیا / ایتالیا ایذه / ایزه	آقاخان آجاجری آلاداغ اُترار اتریش استهبانات استخر / اسطخر ایتالیا ایذه
ب	
باتوم / باطوم بوذرجمهر / بوذرجمهر	باطوم بوذرجمهر
پ	
پترکبیر / پترکبیر پترزبورگ / پترزبورگ	پترکبیر پترزبورگ
ت	
تائیس / طائیس تاب / طاب (نام رودی که از کهکلیویه سرچشمه می‌گیرد)	تائیس تاب (نام رودی که از کهکلیویه سرچشمه می‌گیرد)

صورت‌های املايي	ضبط مختار	صورت‌های املايي	ضبط مختار
تارم / طارم	طارم	خواف / خاف	خاف
تالش / طالش	تالش / طالش	زنون / ذنن	زنون
تايباد / طايباد	تايباد	س	
تَبَرک / طَبَرک	تَبَرک	ساوجبلاغ / ساوجبلاق	ساوجبلاغ
تپور / طپور	تپور	سُغد / صُغد	سُغد
تخار / طخار	تخار / طخار	سقلاب / صقلاب	سقلاب / صقلاب
تخارستان / طخارستان	تخارستان / طخارستان	ش	
ترابلس / طرابلس	طرابلس	شبورغان / شبورقان	شبورغان
ترشيز / طرشيز	ترشيز	ع	
ترقبه / طرقبه	ترقبه / طرقبه*	عيسو / عيصو	عيسو
تسوج / طسوج	تسوج* / طسوج	ق	
توالش / طوالش	توالش / طوالش*	قباد / غباد	قباد
توس / طوس	توس / طوس*	قَرلغ / قَرلق	قَرلق
طوسي	طوسي	قره آغاج / قره آجاج	قره آغاج
(طوسي وقتي اسم يا لقب باشد، مانند خواجه نصيرالدين طوسي، فردوسي طوسي، هميشه با «ط» مي آيد).		ک	
تهران / طهران	تهران	کيقيباد / کيغباد	کيقيباد
تهماسب / طهماسب	تهماسب / طهماسب	ل	
تهمورث / طهمورث	تهمورث / طهمورث	لوت / لوط (کوير)	لوت
تيسفون / طيسفون	تيسفون	لوت / لوط (قوم)	لوت
ج			
جابلسا / جابلصا	جابلسا		
خ			
ختا / خطا	ختا		